

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۰
صفحه ۴۵ تا ۶۴

مبانی و شیوه‌های ارزیابی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد

و پیامدهای اجتماعی آن پس از انقلاب اسلامی

فتاح کریمی / دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان karimi.f925@gmail.com

نجاد علی الماسی / استاد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

nalmasi@ut.ir

عبداله کیایی / استاد حقوق خصوصی گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

Abdallah.kiaee@yahoo.com

چکیده

خسارت معنوی در نظام‌های مختلف حقوقی، با وجود چالش‌های فراوان پذیرفته شده حقوق ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. اهمیت این نوع خسارت به دلیل آثار اجتماعی آن از رهگذر تأثیر بر روح و روان انسانهاست نقض یک تعهد، یا وقوع جرمی چنان تأثیر عمیقی بر زندگی اجتماعی اشخاص می‌گذارد. که نتیجه آن را می‌توان در روابط و تقابل با دیگران یا سایر تعاملات اجتماعی به طور ملموس مشاهده کرد. از آنجائیکه حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها و وفای به عهد، از آموزه‌های دینی است. توجه به جبران این نوع ضرر منتج از مبانی آن می‌باشد بررسی منابع فقهی و قانونی بیانگر آن است، جبران ضرر معنوی فارغ از منشأ آن دارای مبانی غنی از لحاظ قانونی و فقهی است. اما در عمل و در مقام رسیدگی دچار کم توجهی و در چالش جدی است. اول اینکه محاکم ایران از این نوع خسارت استقبال نمی‌کنند و آراء صادره بسیار کم و محدود است. اگرچه همین آراء هم علی‌الاصول پس از انقلاب اسلامی اصدار یافته است. دوم اینکه پس از پذیرش این نوع خسارت در مراجع قضایی در مقام جبران و ارزیابی نیز دچار مشکل خواهد بود. در این مقاله ضمن بیان مبانی قانونی و فقهی و پیامدهای اجتماعی خسارت معنوی، برای هر دو چالش راهکار ارائه گردیده است.

کلیدواژه: خسارت معنوی - شیوه ارزیابی - نقض قرارداد - آثار اجتماعی - انقلاب اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴

مقدمه

روابط اجتماعی اشخاص و پیچیدگی‌های ناشی از تعاملات انسانی در دنیای مدرن در کنار دستاوردهای فراوان آن نظیر دسترسی به امکانات و رفاه و آسایش عمومی، خالی از نقص و عیب نبوده و حوادث منبث از این نوع زندگی اجتماعی، از قبیل جرائم عمدی و غیرعمد، نقض قراردادها و تعهدات حوادث قهری و نظائر آن‌ها بر جامعه امروزی سایه افکنده و بخش مهمی از دغدغه‌های اندیشمندان و حقوقدانان و نظام‌های مختلف حقوقی را شکل می‌دهد. اصل جبران کلیه خسارت‌ها که در سیستم‌های حقوقی علی‌الاصول پذیرفته شده. اقتضای آن را دارد که ضررهای وارده به اشخاص فارغ از منشاء آن نباید بدون جبران باقی بماند. این ضررها شامل انواع ضرر مادی و معنوی است در جبران ضرر مادی اختلاف نظری وجود ندارد. و فقط نحوه و کیفیت جبران و زیرمجموعه‌های خسارت مادی بیشتر مورد بحث قرار گرفته است. اما خسارت معنوی این گونه نیست، چرا که برای پذیرفته شدن از سوی نظام‌های مختلف حقوقی، چالش‌های فراوانی پشت سر نهاده است. اگرچه خسارت معنوی هم اکنون در حقوق ایران و غالب نظام‌های حقوقی از جمله کامن لا پذیرفته شده است. ولی کماکان نحوه جبران، تقویم و ارزیابی آن اختلاف نظر وجود دارد. و اشکال مهم آن یعنی چگونگی ارزیابی خسارت معنوی پابرجاست. و رویه واحدی در این خصوص شکل نگرفته است. در این نوشتار درصدد آن هستیم ضمن طرح موضوع خسارت معنوی به این پرسش اساسی پاسخ دهیم در فرض قبول و پذیرفته شدن زیان معنوی در مقام اجرا و جبران شیوه ارزیابی این نوع خسارت چگونه خواهد بود؟ و اینکه از نظر اجتماعی جبران ضرر معنوی خصوصاً پس از انقلاب اسلامی چه پیامدی داشته و نگاه نظام قضایی برگرفته از انقلاب اسلامی در این باره چیست؟ در فرضیه نخست نسبت به سوال اول پژوهش باید گفت که یکی از چالش‌های جدی جبران ضرر معنوی در همه نظام‌های حقوقی از جمله در حقوق ایران شیوه جبران آن است. آنجا که خصوصاً جبران باید به صورت مادی انجام گیرد. چرا که نحوه ارزیابی و تفاوت انسان‌ها و عدم امکان سنجش میزان آسیب روحی این تعسر را شدت می‌بخشد اما منافع اجتماعی و فردی این نوع جبران‌ها، آن را به سمت ارزیابی از سوی کارشناسان امر سوق خواهد داد. در فرضیه دوم از سوال پژوهش نیز سیر تحولات قانونگذاری و آراء صادره از سوی دستگاه قضا، این موضوع را روشن می‌سازد که چندین تصمیم تأثیرگذار و دارای آثار حقوقی و اجتماعی، اهمیت آن را به خوبی نشان داده است که نمونه آن پرونده معروف به خون‌های آلوده است که بخشی از آن رأی جبران ضرر

معنوی می‌باشد. که از دو جهت دارای اهمیت بوده اولاً نظام قضایی ایران ظرفیت اتخاذ تصمیم و توجه به جبران ضرر معنوی دارا می‌باشد و دیگر اینکه جبران خسارت معنوی علاوه بر آرامش فردی دارای آثار مثبت اجتماعی نیز خواهد بود.

لذا بدین منظور ابتداء نگاه و اندیشه انقلاب اسلامی در خصوص جایگاه رفیع انسان را بررسی و سپس ضمن بیان مبانی فقهی و قانونی ضرر معنوی و شیوه‌های ارزیابی و آثار اجتماعی آن را مورد تدقیق قرار می‌دهیم.

۱- انقلاب اسلامی و کرامت انسانی: یکی از مهم‌ترین حوادث قرن بیستم، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و در حساس‌ترین منطقه جهان به لحاظ موقعیت استراتژیک آن یعنی خاورمیانه می‌باشد. آنچه محور حرکت مردم و ندای انسانی و عدالت خواه آنان بود. جاری شدن احکام عالیه دین اسلام و تحقق عدالت اجتماعی، حفظ حرمت و کرامت انسانی بود. شاید این نگرش و جهت دهی به انقلاب که با فطرت انسانی آمیخته است. از اثرگذارترین عوامل در پیروزی انقلاب و مطالبه عمومی پس از آن می‌باشد. قرآن کریم به عنوان منبع وحی و آموزه‌های برگرفته از سیره عملی پیامبر (ص) و «ائمه» (ع) که اساس قانون‌گذاری و تقنین پس از انقلاب بوده. بر این جایگاه انسانی تأکید و بر خواست عمومی صحه می‌گذارد. این نگرش در زیربنایی‌ترین قانون کشور یعنی قانون اساسی منعکس و براساس اصل چهارم. موازین اسلامی معیار در قانون‌گذاری خواهد بود. (نجفی اسفاد، محسنی، ۱۶؛ ۱۳۸۴) خالق هستی در بیان جایگاه رفیع انسان و شأن و منزلت او تأکید و در آیات متعدد می‌فرماید. (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) ما انسان به نیکوترین صورت مراتب وجود بیافریدیم. (التین، ۴) و همچنین می‌فرماید (لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ رِزْقًا هُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً) ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب خشکی و دریا سوار کردیم و از هرغذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری و فضیلت بخشیدیم. (حجرات، ۱۱) آنچه بیان شد صرفاً دو نمونه از آیات الهی است، که بر مقام و شأن رفیع انسان تأکید و منزلت وی را از نظر خدای متعال یادآوری می‌کند. امام علی (ع) در زمان حکومت خود به فرماندار مصر به جدّ تأکید می‌کند که با مردم خوش رفتار و به مساوات و عدالت عمل کند چرا که مردمان تحت حکومت وی دو گروه‌اند یا مسلمان و برادر دینی او و یا غیر مسلمان که در آفرینش و خلقت و کرامت انسانی همسان‌اند. (مبشری، ۲۰۱؛ ۱۳۷۳) این اندیشه بلند که سرچشمه آن منبع نورانی وحی، و سرلوحه امور در اداره جامعه است. موجب گردیده، این باور در اذهان مردم نقش

بسته، و انقلاب اسلامی براساس مبانی خود و از جمله قانون اساسی در جهت تحقق آن حرکت نماید. در اصل دوم قانون اساسی به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی او، به عنوان یکی از مبانی فکری جمهوری اسلامی تصریح شده است. طبق این اصل همواره باید در تمام امور به ارزش و جایگاه انسان‌ها توجه ویژه شود. شأن و منزلتی را که قانون اساسی برای انسان قائل شده تبلور آن جایگاهی است، که انسان نزد خداوند دارد. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴، ۱۱۹) در این سند ملی ارزشمند که برگرفته از نگاه انقلاب اسلامی بر کرامت انسانی می باشد مدون شده است.

۲- عدالت قضایی از اهداف اجتماعی انقلاب اسلامی: تحقق عدالت اجتماعی رفع تبعیض در حوزه‌های مختلف از جمله در قضا و دادرسی و احیاء حقوق عامه از اهداف اصلی انقلاب که برگرفته از سرچشمه زلال دین، قرآن کریم و مبتنی بر اندیشه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) می باشد. آفریدگار هستی در بیان رسالت نهانی انبیاء خود در قرآن کریم می فرماید (لَقَدْ أَنْزَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) همانا پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب میزان و عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند (الحديد، ۲۵)

هدف نهایی رسالت از نظر خالق هستی قیام مردم به عدالت و اقامه عدل است. در جای دیگر از کلام الهی خداوند متعال می فرماید: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» همانا خداوند فرمان می دهد به عدل و نیکی (نحل، ۹۰) اهمیت اجرای عدالت و ابتدای خلقت بر پایه آن جایگاه رفیع این فضیلت اجتماعی را در نگاه کلام الهی می توان دید و انتظاری است که از جامعه و حاکم اسلامی در اجرای این فرمان آسمانی باید داشت. عدالت قضایی که بخشی از ابعاد مختلف عدالت اجتماعی است مورد تأکید خداوند متعال و جاری در زندگی اجتماعی در دوران رسالت پیامبر اکرم (ص) و خلافت امام علی (ع) و سیره ائمه است. در این راستا داوری و قضاوت بر پایه عدالت در کلام الهی نیز تصریح و می فرماید (إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید (نساء، ۵۸) باید پذیرفت باور مردم بر اجرا و تحقق عدالت از جمله عدالت قضایی، علاوه بر اینکه امری فطری است، یک باور مبتنی بر آموزه‌های وحی و سیره عملی ائمه دین است، دوران حکومت امام علی (ع) نمونه بارز سیره عملی آن بزرگوار در جهت تحقق و اجرای عدالت است در کلام انبوه این پیشوای راستین می توان کراراً بر تأکید و توصیه عدالت را مشاهده کرد. ایشان می فرمایند (الْعَدْلُ أَسَاسُ بِنَايَةِ الْعَالَمِ) عدل پایه و زیربنا است که پایداری جهان

به آن بستگی دارد. (حکیمی؛ ۱۳۸۰، ۱۹) عمق باور امام بر عدالت را در اداره امور جامعه و تعاملات اجتماعی آن حضرت از جمله حضور به عنوان اصحاب دعوی در نزد قاضی را تاریخ ثبت و اسناد فراوانی در این خصوص وجود دارد.

و بر این اساس عدالت قضایی در نظام جمهوری اسلامی برگرفته از اهداف عالیه انقلاب اسلامی در قانون اساسی مورد تأکید و از اصول بنیادین نظام تلقی می‌شود. در مقدمه قانون اساسی پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی بیان و بند ۱۴ اصل سوم در وظایف دولت جمهوری اسلامی بیان می‌دارد (تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون) و در اصول ۳۴ و ۳۵ و ۳۸ در حقوق ملت ایران بر دادرسی عادلانه تأکید، و در اصل ۱۵۶ احیای حقوق عامه و گسترش عدل از وظایف دستگاه قضایی بیان نموده است. که همه آنها انعکاس اندیشه عدالت قضایی در بنیادی ترین قانون جمهوری اسلامی می‌باشد. از آنجائیکه مفهوم عدالت قضایی وسیع شامل موارد مختلفی است لذا ذیلاً به مفهوم عدالت و تأثیر اجرای عدالت قضایی بر امنیت روانی و مطالبه ضرر معنوی در اجرای عدالت قضایی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۳- تأمین عدالت قضایی پس از انقلاب اسلامی: قوه قضائیه یکی از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی، ملجا، و پناهگاه افراد ستم‌دیده و وظیفه خطیر تظلم و دادخواهی مردم را عهده‌دار است. و تأمین عدالت قضایی باید از طریق ۱- ایجاد تشکیلات منظم دادرسی ۲- به کارگیری قضات شایسته عالم و عادل ۳- امکان دسترسی عموم به محاکم ۴- امکان دسترسی اصحاب دعوی به وکیل ۵- اجرای دقیق قوانین و رعایت حقوق اصحاب دعوی ۶- تأمین استقلال قاضی و وکیل، تحقق یابد. از آنجائیکه عدالت مطلق مختص پروردگار عالم است و آنچه بشر تأکید بر عدالت و به عنوان آرمان بر آن چشم دوخته و اصرار می‌ورزد، عدالت نسبی است و عدالت نسبی نیز چیزی جزء اجرای صحیح و دقیق قوانین نیست، لذا عدالت قضایی یعنی اجرای قانون، هر اندازه که قانون را درست اجرا کنیم به همان اندازه به عدالت قضایی نزدیک‌تر شده‌ایم. (لسانی، حیدری، توکلی، ۲۹۴؛ ۱۳۹۵). گرچه نفس قانون به معنای عدالت نیست ولی عدم اجرای صحیح و دقیق قانون مخالف عدالت است و می‌بایستی نهاد قضاوت با ارائه لوایح مبتنی بر محور عدالت در تأمین عدالت قضایی گام بردارد. به نظر نگارنده تأمین عدالت قضایی آثار مثبتی در جلب اعتماد عمومی و آرامش روانی خواهد داشت. فرد متضرر و زیان‌دیده وقتی به دستگاه قضایی مراجعه و دادخواهی می‌کند. انتظاری جزء احقاق حق ندارد. طولانی شدن فرایند دادرسی و عدم نتیجه‌گیری مظلوم،

سرخوردگی وی را موجب می‌شود. امروزه گستره روابط اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی، و آثار حقوقی این ارتباطات خصوصاً در حوزه قراردادهای مسئولیت دستگاه قضایی رادر نظارت و اجرای آنها و در صورت بدعهدی، احقاق حق زیان‌دیده مضاعف می‌کند. لذا عدالت قضایی در قرارداد به معنای نقش استدلال قاضی در نگارش اراء قضایی در راستای اجرای عدالت نام برد. (محقق داماد، اسفندیاری فر، ۲؛ ۱۳۹۸) اگرچه پس از انقلاب اسلامی در راستای تحقق عدالت قضایی گام‌های ارزشمندی برداشته شده است. ولی هنوز برای تحقق این آرمان فاصله داریم جبران ضرر معنوی ناشی از نقض قرارداد با وجود مبانی فقهی و قانونی آن از جمله اموری است که باید در راستای تحقق عدالت قضایی به خوبی مورد توجه واقع گردد.

۴- جبران ضرر معنوی در راستای تحقق عدالت قضایی: ضرر معنوی ممکن است دارای منشاء قهری، یا قراردادی و یا ناشی از وقوع جرم باشد. از آنجائیکه ضرر نباید بدون جبران باقی بماند. در این مبحث ضمن بیان مبانی این ضرر در نظام حقوقی ایران که بخش مهم آن برگرفته از فقه اسلامی است شیوه جبران و ارزیابی آن را مورد بررسی، و پیامد اجتماعی آن را مورد تدقیق قرار می‌دهیم.

۵- مفهوم خسارت معنوی

خسارت معنوی اصطلاح حقوقی است که مرکب از دو واژه خسارت و معنوی، که واژه معنوی در توصیف خسارت بیان می‌گردد. خسارت معنوی به طور مستقیم بر اموال و دارایی اشخاص وارد نمی‌شود خسارتی که بر خود شخص و متعلقات آن که قابل ارزیابی مالی نیستند وارد می‌شود. مانند صدمات بر جسم، روح و روان، آزادی، شخصیت و شهرت و اعتبار اشخاص، که در مواردی به مراتب سنگین‌تر از خسارت مادی است. ضرر معنوی ضرری است که به عرض و شرف متضرر یا یکی از اقارب او وارد می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۴۱۶؛ ۱۳۸۷). از نظر فقهای اسلامی اگرچه در بیان خسارت، مطلق خسارت مدنظر واقع شده ولی در ذکر آن در مواردی به مصادیق خسارت معنوی نیز اشاره شده است لذا فوت آنچه که انسان داراست. اعم از اینکه نفس باشد یا عرض یا مال یا جوارح ضرر محسوب می‌گردد. (نجفی خوانساری، ۱۹۹؛ بی تا) و یا نداشتن و از دست دادن هر یک از مواهب زندگی جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که از آن بهره‌مند می‌شویم. (مکارم شیرازی، ۴۹؛ ۱۳۸۲) از مصادیق خسارت به طور مطلق تلقی که خسارت معنوی نیز از جمله آنها است راغب اصفهانی نیز در مفردات ضرر را به سوء حال تعبیر می‌کند اعم از اینکه سوء حال

به نفس به خاطر قلت علم و فضل یا سوء حال بدن به خاطر فقدان عضوی از اعضا و یا به خاطر قلت آبرو (محقق داماد، ۱۴۳؛ ۱۳۸۸) بنابراین ملاحظه می گردد. فقها تعریف مستقلی از ضرر معنوی به عمل نیاورده ولی این نوع ضرر را مدنظر داشته و آن را از انواع ضرر بیان نموده اند.

مهم ترین معادل انگلیسی کلمه خسارت damage است که در این زبان در قالب اسم به معنای زیان و خسارت صدمه و آفت و از دست دادن نه به هر شکل که به طرف حق شکایت می دهد و در صورت جمع damages به معنای تاوان، وجه الخساره و غرامت به کار رفته است و مبلغی پول که از سوی دادگاه و به عنوان جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی یا مسئولیت ناشی از نقض قرارداد به آن حکم داده می شود. (oxford dictionary, 168; 2005) در حقوق انگلیس دو نوع خسارت مادی و معنوی پذیرفته است. این نظام که مهد کامن لا است. مقررات آن نه از قوانین مصوب بلکه از دل آراء قضایی بر آمده و از طریق بیان مصادیق آن تعریف شده است. با این وجود برخی از قوانین به عنوان نمونه قسمتی از بند ۲ بخش اول قانون تلویزیون خصوصی در انگلیس تحت عنوان «زبان» در زمینه حفظ عواطف مذهبی بیان می دارد. استفاده از زبان نامناسب و ناسزاگویی و تعبیر نابِه جا در مورد مسایل مذهبی از برنامه های تلویزیونی ممکن است از نظر بسیاری از مردم بی حرمتی تلقی شود. و برخی را عمیقاً برنجاند. از سوی دیگر نویسندگان، تهیه کنندگان و بازیگران به حق خواستار آزادی بیان خویش هستند. بنابراین اگر بخواهیم این آزادی به مخاطره نیفتد. اجتناب از هرگونه استفاده بی قید و شرط از زبان توهین آمیز اهمیت می یابد. همچنین در بند ششم این قانون آمده است. (قانون افتراء مشتمل بر دو هدف اصلی قادر ساختن فرد به حفظ حسن شهرت و حفظ حقوق آزادی بیان می باشد. در نهایت صاحب امتیاز مسئول زیانهای ناشی از افتراء و توهین تلقی شده است (نقیبی، ۱۰؛ ۱۳۸۳) لذا با توجه به اهمیت رویه قضایی و آرایبی که دادگاه های انگلیس صادر نموده از معیار اصلی و ملاک مهم برای تعیین مصادیق خسارت معنوی است. در حقوق انگلیس بسیاری از اعمال زیانباری که موجب ایراد خسارت معنوی است مانند هتک حرمت اشخاص، افتراء افشای اسرار، اشاعه اکاذیب و نظیر آن به پیروی از نظام حقوقی کامن لا جرم محسوب گردیده و تعقیب کیفری آنها متروک مانده به عنوان اسباب مسئولیت مدنی به شمار می آیند. تا جائیکه کمیسیون حقوقی پیشنهاد فسخ برخی از این جرائم مانند هتک حرمت را نمودند. در همین راستا برخی از نویسندگان، درد و رنج، از دست دادن توانایی و استعداد های بالقوه یا بالفعل، یا از دست دادن تعادل و قدرت بهره وری

از لذات زندگی و برخی دیگر خسارت وارده بر بدن مانند ضرب و جرح تهدید بدنی، بازداشت غیرقانونی ایجاد ترس و شوک و یا خسارت وارده بر مصالح و متعلقات غیربدنی مانند شهرت و اعتبار را خسارت معنوی نامیده‌اند (سلطانی نژاد، ۱۶؛ ۱۳۹۴).

۶- مبانی فقهی، قانونی و اجتماعی خسارت معنوی

اعتبار، آبرو و حیثیت انسان‌ها مهم‌ترین سرمایه معنوی است. و توجه به آن دغدغه اندیشمندان متفکران و ادیان الهی بوده و تاریخی بس طولانی دارد. چرا که انسان فقط جسم نیست، و سرمایه‌های معنوی مهم‌ترین دارائی او و حفظ صیانت از آن لازمه یک زندگی اجتماعی است لذا صدمه به این دارائی معنوی پذیرفته نیست و باید جبران شود. از این جهت مبانی خسارت معنوی از منظر فقهی و قانونی و اجتماعی مورد مذاقه قرار می‌دهیم. تأثیر منابع فقهی بر زندگی اجتماعی مردم و قانونگذاری خصوصاً پس از انقلاب اسلامی امری مبرهن است قرآن کریم در آیات متعدد بر این منزلت رفیع انسان تأکید می‌نماید. دمیدن روح الهی در کالبد انسان (و نفخت فیهِ من روحی)، (ص، ۷۲) و قرار دادن انسان به عنوان جانشین و خلیفه در روی زمین «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره: ۳۰) و تکریم انسان از سوی پروردگار «لقد کرمنا نبی آدم» از جمله نگرش خالق هستی به جایگاه رفیع انسان است. سنت پیامبر اسلام (ص) نیز در طول دوره رسالت مبتنی بر این سیره بوده است فقهای اسلامی با نقل حادثه‌ای در عصر آن حضرت و بیان حدیث لاضرر در تبیین احکام دین به آن استناد کرده‌اند. قاعده لاضرر یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی در خصوص جبران ضرر خصوصاً زیان معنوی است. حادثه از این قرار است که فردی به نام ثمره بن جندب برای سرکشی به درخت خرماي خود که در محل عبور آن خانه مرد انصاری بوده و با عبور سرزده اسباب اذیت وی و خانواده‌اش را فراهم می‌آورد. که موجب گردید مرد انصاری نزد پیامبر اسلام مراجعه و از وی شکایت کند در نهایت به دلیل سرپیچی و عدم قبول پیشنهاد پیامبر (ص) از سوی ثمره بن جندب، پیامبر دستور دادند درخت خرما قلم گردد. و خطاب به وی فرمودند (اِنَّکَ رَجُلٌ مضار و لاضرر و لاضرار علی مومن) این حادثه و اقدام رسول خدا در تبیین احکام اسلامی کراً مورد استناد فقها واقع می‌شود و برخی از فقها در این خصوص رساله مستقلی را تدوین کرده‌اند. و به تبع آن نظریات مختلفی را ارائه نموده‌اند از جمله شیخ مرتضی انصاری اعتقاد دارند براساس قاعده لاضرر شارع مقدس هرگز حکمی را که اجرای آن ضرر داشته باشد وضع نمی‌کند (محمدی، ۱۴۶؛ ۱۳۸۸) و هر حکمی که منشأ ضرر باشد نفی می‌کند (موسوی بجنوردی، ۲۰۰؛ ۱۳۸۵) بر این اساس ثمره بن جندب اگرچه حق عبور از ملک مرد انصاری

را دارد ولی نباید اعمال حق منشاء ضرر دیگری را فراهم نماید. گروهی از فقها از جمله شیخ الشریعه اصفهانی عقیده دارند طبق قاعده حدیث، ورود ضرر را نفی می کند نه حکم ضرری را، (زراعت، ۱۴۶؛ ۱۳۸۸) از جمله فقهای معاصر امام خمینی (ره) نسبت به این حدیث نگاه سیاسی داشته و آن را امری حکومتی می داند و اعتقا دارند پیامبر (ص) در مقام اعمال حاکمیت دستور قلم درخت خرما را صادر فرموده، و از آنچه از قاعده لاضرر در خصوص خسارت معنوی قابل طرح می باشد آن است که اولاً: جبران ضرر معنوی در حقوق اسلام پذیرفته است ثانیاً: حاکم اسلامی نمی تواند در برابر ضرر معنوی سکوت نماید و باید در جبران و احیاء آن اقدام نماید ثالثاً: در تعارض بین ضرر معنوی و ضرر مادی ضرر معنوی مقدم است که پیامبر در قلم منشاء نزاع که زیان مادی بود به نفع جبران ضرر معنوی اقدام فرمودند.

از دیگر قواعد مورد استناد در مبانی خسارت معنوی قاعده اتلاف می باشد. در جامعه اسلامی از جمله وظایف حکومت حمایت از مالکیت مشروع و جلوگیری از تعدی به اموال عمومی و خصوصی است. تلف مال دیگری چه به صورت عمدی و چه غیر عمد مسئولیت آور، و تلف کننده مسئول جبران زیان وارده است. لذا قاعده اتلاف از قواعد مهم فقهی است که حاکم اسلامی در احقاق حقوق مردم و همچنین در مقام قانونگذاری آن را مدنظر قرار می دهد. این قاعده مبتنی بر جمله مشهور (مَنْ أَلْفَ مالَ الْغَیْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ) است این قاعده را فقها از مضمون آیات روایات به دست آورده اند (محمدی، ۲۶؛ ۱۳۸۵)

و حدیث شریف (حَرَمَ مالَ الْمُسْلِمِ كَحَرَمِ دَمِهِ) یعنی احترام مال مسلمان مانند احترام خون اوست (محقق داماد، ۱۱۰؛ ۱۳۸۰) از جمله مستندات این قاعده فقهی هستند حال نکته اینجاست آیه صرف اتلاف مال غیر فقط به زیان دیده ضرر مادی وارد می شود. نگاه سنتی به موضوع شاید در بادی امر این نگرش را تقویت کند، ولی رشد و توسعه جوامع انسانی و تبع آن صدق مال به انواع دستاوردهای بشری لازمه تغییر نگرش به مصادیق مال و تعمیم حکم قاعده به آنها را دارد. به عنوان مثال اگر قهرمانی در مسابقات جهانی و المپیک مدالی را کسب کند ارزش معنوی این مدال به طریق اولی بیشتر از ارزش مادی آن است. حال اگر فردی این مدال را تلف نماید آیا زیان وارده به دارنده آن صرفاً زیان مادی است، که البته اینگونه نیست در کنار زیان مادی دارنده مدال متحمل ضرر معنوی نیز شده و این حادثه برای وی بسیار تلخ و آزاردهنده و روح و روان وی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بدیهی است در جامعه اسلامی این نگاه باید اصالت پیدا نماید که جبران ضرر معنوی به نفع جامعه و در

جهت حفظ آرامش و تکریم مردمان جامعه اسلامی است. دولت و نظام قضایی کشور نباید این موضوع مهم را به عنوان موضوع فرعی تلقی نمایند. باید در جهت حفظ و صیانت از سرمایه‌های معنوی جامعه اهتمام جدی بورزند.

از دیگر قواعد فقهی مورد استناد به عنوان مبانی خسارت معنوی قاعده نفی عسر و حرج است. عسر حرج واژگانی هستند که قرآن کریم به آنها اشاره و در آیات متعددی بیان گردیده است. آیات ۷۸ سوره حج، ۶ سوره مائده، ۱۸۵ سوره بقره از قبیل آن هستند. اینکه عسر حرج را از مبانی خسارت معنوی تلقی کنیم باید در زندگی اجتماعی و فردی مصداق بارز آن در محیط خانواده و زندگی زناشویی جستجو کرد. گستردگی و شمول قاعده در موارد گوناگون از جمله مسائل خانواده به امور بسیاری بستگی دارد و مستلزم نگاه جامع به ابعاد این قاعده هنگام تطبیق بر مصادیق آن در محاکم قضایی است (سجادی امینی؛ ۱۳۹۴). آنچه واضح است در یک جامعه اسلامی خانواده کانون رشد و تعالی شخصیت انسان و جلب آرامش و امنیت برای زوجین است. سلب آرامش از سوی زوج سخت‌گیری، سوء رفتار اعتیاد و نظائر آنها تحمل زندگی را برای زوج مشکل و طاقت فرسا حتی غیرقابل تحمل می‌نماید. در این راستا دولت منبعث از انقلاب اسلامی می‌بایستی با تکیه بر تکالیف قانونی حداکثر تلاش خود را در تقویت نهاد ارزشمند و بنیادین خانواده به کار گیرد و از طرفی دستگاه قضایی نیز در استیفای حقوق زن در شرایط عسر حرج و ممانعت از تحمل ضرر معنوی در تصمیم قضایی به این موضوع توجه نماید. لذا باید گفت ضرر ناشی از عسر حرج علی‌الاصول در زندگی زناشویی قابلیت طرح داشته و باید مورد توجه واقع شود. در مقام تقنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی مهم‌ترین اقدام تدوین قانون اساسی می‌باشد. این سند مهم و میثاق ملی در اصل ۲۲ به حقوق ملت توجه و حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را مصون از تعرض می‌داند. این حقوق مهم و اساسی منبعث از دو دیدگاه است اول اندیشه متفکران اسلامی خصوصاً رهبر کبیر انقلاب (امام خمینی ره) و بزرگانی نظیر شهید دکتر بهشتی است که نقش کلیدی در تدوین و تصویب قانون اساسی داشتند دیگر اینکه این حقوق مبتنی است بر تعالیم عالیه دین اسلام که در اصل مذکور متبلور شده است. رهبر کبیر انقلاب به صراحت به رعایت حقوق بشر و ابتدای نظام اسلامی بر آن تأکید و همه افراد را اعم از شخص اول مملکت و مردم عادی را از نظر قانون برابر می‌داند (خمینی ره)، ج ۵، ۷۰؛ ۱۳۸۹) این نگرش در خصوص رعایت آبرو و حیثیت و حقوق مردم در فرمان ۸ ماده‌ای ایشان به صراحت بیان و تأکید گردیده است. (خمینی ره)، ج ۷، ص ۱۴۰؛ ۱۳۸۹)

توجه دادن به مسئولان قضایی به مناسبت‌های مختلف که حافظ جان، مال و نوامیس مردم هستند. و اهمیت رعایت حقوق مردم به معنای عام، اعم از حقوق معنوی و مادی از دغدغه‌ها و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در این خصوص می‌باشد (اعظمی، فارسانی، ۱۳۸۳؛ ۷) از جهتی شهید بهشتی نیز اعتقاد دارند خدای آفریدگار اساس خلقت انسان را بر پایه عدل بنا نهاده است و انسان را مسئول اقامه عدل می‌داند و حقوق اولیه انسان بر پایه حق طبیعی وی است. حق حیات، تفریح و نشاط از دیدگاه ایشان مورد تأکید اسلام است (قاسمی، ۱۷۶؛ ۱۳۹۵) این نگرش ایشان در تصویب اصول قانون اساسی اصل ۲۲ آن موثر بوده است.

۶-۱- خسارت معنوی از دیدگاه فقها

در خصوص خسارت معنوی بین فقها بیان صریحی وجود ندارد. فقهای اسلام اساساً خسارت را به صورت بیان مصادیق آن تعریف کرده‌اند. هتک آبرو و حیثیت را ضرر می‌دانند افشای اسرار، تهمت و ناسزا از مصادیق ضرر بیان نموده‌اند (المراغی، ج ۱، ۳۹۰؛ ۱۴۱۷) برخی از فقهای معاصر که البته از اعضای خبرگان تدوین قانون اساسی نیز بوده‌اند از دست دادن هر یک از مواهب زندگی جان و مال حیثیت و هر آنچه از آن بهره‌مند می‌شویم ضرر می‌دانند (مکارم شیرازی، ۴۹؛ ۱۳۸۲) اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی فقهای شورای نگهبان در فرایند قانونگذاری نگاه مثبتی به جبران خسارت معنوی نداشته‌اند و آن را غیر شرعی می‌دانستند این نگرش در حذف خسارت معنوی از قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۸/۱۴ و آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و همانگونه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نمایان است. برخی از اندیشمندان اسلامی معاصر علت مخالفت با خسارت معنوی را عدم امکان جبران مادی خسارت معنوی می‌دانند (عمید زنجانی، ۵۸؛ ۱۳۸۲) در مجموع، اگرچه مفهوم خسارت معنوی مفهوم جدیدی است و دارای مبانی معرفت‌شناسی خاصی است، ولی می‌توان گفت عناصر موجود در خسارت معنوی را در اندیشه‌های اصیل اسلامی به وضوح مشاهده و آنها را براساس مبانی جدید در خدمت مصالح جامعه درآورد.

۶-۲- خسارت معنوی از دیدگاه اندیشمندان

در بین اندیشمندان اعم از داخلی و خارجی دو دیدگاه در خصوص خسارت معنوی وجود دارد گروهی مخالف خسارت معنوی هستند و جبران خسارت معنوی را غیرممکن و در مواردی حتی بر خلاف شأن انسان می‌دانند. لا کانتی نری، ساوینی، ماسن و بودری از این قبیل می‌باشند این اندیشمندان به سه دلیل امکان جبران خسارت معنوی را ممکن نمی‌دانند ۱- عدم امکان جبران مالی خسارت معنوی و قابل تقویم نبودن خسارت معنوی به پول ۲-

دلیل دیگر مخالفان عدم امکان جبران خسارت معنوی به دلایل فنی است یعنی وجود ضرر و تعیین حدود وسعت آن را غیر ممکن می‌دانند ۳- از جمله دلایل مورد استدلال مخالفین عدم امکان جبران خسارت معنوی مبتنی بر دلایل اخلاقی است. بر این اساس دلیل پذیرش جبران خسارت معنوی مستلزم تنزل بخشیدن به سرمایه‌های عاطفی و معنوی تا مرتبه نازل مادیات است. (نقیبی، ۳۲۵؛ ۱۳۸۶)

اما موافقان جبران خسارت معنوی تحمل ضرر در حقوق کنونی را منحصر به موردی نمی‌دانند که شخص نفع مادی را از دست می‌دهد. انسان در برابر لطمه‌های روحی نیز آسیب پذیر است. آسیبی که گاه نمودار نیست ولی از درون به او آزار می‌رساند. لذا چگونه می‌توان این تعارض را پذیرفت که در جامعه متمدن آسیب به شرافت و شخصیت و احساس جبران نشده باقی بماند و برای رفع درد و رنج انسان هیچ تمهیدی نباشد (کاتوزیان، ۲۵۷؛ ۱۳۹۵) حتی برخی از اساتید گام فراتر نهاده و زیان معنوی که از نقص یک تعهد ناشی می‌شود را قابل جبران می‌دانند (شهیدی، ۲۶۰؛ ۱۳۹۵). امروزه جبران خسارت معنوی امری پذیرفته شده می‌باشد. اگرچه هنوز نظام حقوقی ایران علیرغم آراء صادره خصوصاً در پرونده مشهور به خون‌های آلوده، دچار چالش هم به لحاظ مطالبه و هم نتیجه آن می‌باشد.

۷- سیر تحول قانونی خسارت معنوی پس از انقلاب اسلامی

سابقه تقنینی در خصوص خسارت معنوی به سال ۱۳۰۴ و به قانون مجازات عمومی سابق بر می‌گردد که براساس آن با تعیین مبلغ معینی در اعمال منافی عفت، علاوه بر مجازات مرتکب باید در حق زیان دیده پرداخت می‌گردید.

نقطه عطف جبران ضرر معنوی پس از انقلاب اسلامی، همانگونه که بیان گردید در تدوین و تصویب قانون اساسی می‌باشد. در سال ۱۳۵۸ در حالیکه هنوز جامعه دچار التهابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود و نظام جمهوری اسلامی نیز تثبیت نشده بود. گنجاندن چنین اصلی در قانون اساسی بیانگر توجه خبرگان قانونی اساسی و رهبران سیاسی و معنوی انقلاب به حقوق اساسی مردم مبتنی بر خواست مردم و مبانی شرعی آن می‌باشد. لذا اصل ۱۷۱ قانون اساسی بیان می‌دارد. (هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد).

ذکر اینکه مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است را باید معطوف به پذیرش این نوع زیان از منظر موازین اسلامی بدانیم. بررسی سیر تحولات قانونگذاری پس از انقلاب اسلامی در مقطعی نشان می‌دهد زیان معنوی مهجور واقع گردیده است اگرچه این اصل عیناً در تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ماده ۵۸ گنجانده شده است ولی حذف خسارت معنوی از قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ بیانگر آن است که نگرش مثبتی از سوی سیستم قانونگذاری جمهوری اسلامی خصوصاً شورای نگهبان به این نوع زیان وجود ندارد. اگرچه این مشعل در نظام دادرسی ایران با مطالبه‌گری برخی از وکلاء و صدور آراء مختلف از سوی قضات فرهیخته روشن ماند. اما باید پذیرفت که مطالبه خسارت معنوی پس از انقلاب به چند دلیل دچار چالش جدی بود. اول اینکه مردم نسبت به این نوع حقوق خود آشنایی نداشتند و خسارت معنوی اگرچه به وفور در سطوح مختلف جامعه رخ می‌دهد ولی همین عدم آگاهی کافی است. بر عدم مطالبه، و دوم اینکه افراد مطلع نظیر وکلاء نیز به دلیل روشن نبودن فرجام این نوع دعاوی به طرح آنها اقدام نمی‌کنند سوم اینکه به دلیل حجم گسترده دعاوی مطروحه در سیستم قضایی ایران این مجال را از توجه دستگاه قضایی به این خواست بر حق مردم گرفته است. در نهایت این فرآیند تقنینی در سال ۱۳۹۲ در ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری با استثناء نمودن جرائم منصوص شرعی و دیه از خسارت معنوی جبران آن را امکان‌پذیر و از حقوق زیان‌دیده می‌داند.

– پیامدهای اجتماعی جبران خسارت معنوی

پذیرش خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و تحولات قانونی آن پس از انقلاب اسلامی از جمله اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری و ضرورت جبران زیان معنوی از منظر مبانی فقهی که اندیشه انقلاب مبتنی بر آن می‌باشد و عنایت به آنچه در طلیعه این نوشتار بیان شد. توجه به حقوق مردم حفظ حرمت و کرامت آنها، استیفای حقوق قانونی زیان‌دیده می‌تواند آثار مثبت اجتماعی را در پی داشته باشد. از مهم‌ترین پرونده‌هایی که پس از انقلاب در این خصوص رسیدگی و نسبت ضرر معنوی، شاکیان حکم صادر شده پرونده موسوم به خون‌های آلوده می‌باشد که بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی و محافل علمی داشته و یک گام عملی و مثبت در این راستا تلقی می‌گردد. بنابراین پیامدهای اجتماعی جبران ضرر معنوی می‌تواند در موارد ذیل بیان کرد:

۸-۱- اجرای عدالت در تحقق عدالت قضایی: به حکم آیه شریفه (وَإِذَا حَكَمُوا بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ. نساء، ۵۸). لازمه عدالت جبران ضرر وارده به زیان‌دیده

می‌باشد. زیرا اگر ضرر از ناحیه عامل ورود آن جبران نشود باید زیان‌دیده متحمل آن ضرر شود و این با حکم عقل و مذاق شرع سازگار نیست. (یثربی، محمودی، ۱۰۵؛ ۱۳۹۷)

۸-۲- رضای زیان‌دیده و آرامش روانی جامعه: ضرر معنوی روح و روان زیان‌دیده را آزرده و بار روانی آن نه تنها بر شانه‌های وی سنگینی می‌کند بلکه اطرافیان و تبع آن جامعه نیز از قبل آن متحمل آسیب می‌شود. وقتی سرمایه‌های معنوی یک شخص، اعتبار و حیثیت اجتماعی و خانوادگی وی از یک عمل غیرقانونی و هنجارشکنانه آسیب می‌بیند. در صورت جبران دو نتیجه مثبت را به همراه دارد. جلب رضایت زیان‌دیده و آرامش روانی وی و دیگر اینکه جلوگیری از تجرّی عامل یا عاملان زیان که با تعمیم آن به سطح عمومی جامعه سلامت روانی اجتماع را در پی خواهد داشت.

۸-۳- جلب اعتماد عمومی به سیستم قضایی: اعتماد آحاد مردم حاصل نمی‌شود جزء از طریق اجرای دقیق قانون و احقاق حق زیان‌دیده از سوی سیستم قضایی و احساس اینکه در صورت نقض هر تعهدی و ارتکاب هر عمل مجرمانه‌ای ضمانت اجرای قوی وجود دارد و عامل زیان رها نخواهد شد. از آنجائیکه افزایش سطح بی‌اعتمادی در جامعه موجب کاهش تعهد اجتماعی و کاهش همکاری و مشارکت اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌شود (توکل، مقصودی، ۱۷۵؛ ۱۳۸۹) جبران ضرر معنوی موجبات افزایش اعتماد عمومی می‌شود. گام‌های عملی و قانونی از طریق نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی و سیستم قضایی بعد از انقلاب اسلامی وجود داشته شده ولی کافی نبوده و باید در مقام اجرا تلاش مضاعفی صورت گیرد.

۹- جبران خسارت معنوی: پس از تحقق و اثبات ضرر معنوی در دادگاه، مرحله مهم دیگری از فرآیند رسیدگی آغاز می‌شود و آن نحوه جبران و شیوه ارزیابی آن است. چرا که حقیقتاً جبران خسارت معنوی دشوار و نحوه ارزیابی آن نیازمند سازوکار دقیق قانونی است. واگذار کردن آن در اختیار دادگاه موجب تشّت آراء و اعمال سلیقه، سردرگمی اصحاب دعوی و زیان‌دیده را فراهم می‌کند. لذا از آنجائیکه منشاء ورود زیان در شیوه جبران آن موثر می‌باشد بدو لازم است ضرر معنوی با توجه به منشاء ایجاد ضرر دسته‌بندی نموده سپس براساس آن نحوه جبران را مورد بررسی قرار دهیم.

۹-۱- خسارت معنوی وارده بر آبرو و حیثیت افراد ناشی از جرم: سرمایه های معنوی انسان نظیر اعتبار و شخصیت اجتماعی بخش مهمی از زندگی است. که گاهی در اثر ارتکاب برخی از جرائم از سوی عامل زیان، مانند توهین، افتراء، نشر اکاذیب و امثالهم

به هر طریقی مورد خدشه واقع می‌گردد. ولی بدیهی است صرف مجازات، زیان جبران نمی‌شود. مسلم است در این نوع خسارت معنوی جبران مالی توجیهی ندارد. آنچه برای زیان‌دیده مهم است اعاده حیثیت اوست نه دریافت مبلغی پول.

۹-۲- خسارت معنوی وارده بر شهرت و اعتبار شخصی و خانوادگی ناشی

از فعل مجرمانه: حسن شهرت، اعتبار اشخاص از بزرگترین سرمایه‌های معنوی آنان است. اما گاهی ممکن است اقدامی مجرمانه به اعتبار شخصی و خانوادگی کسی لطمه وارد آورده و در زندگی اجتماعی و فعالیت اقتصادی وی را آسیب وارد گردد. آنچه ابتداءً به عنوان خسارت در ذهن ما تبلور می‌نماید ضرر مادی است ولی با تدقیق در موضوع بدیهی است در چنین مواردی ورود ضرر معنوی به مراتب بیشتر و سنگین‌تر از ضرر مادی است.

۹-۳- خسارت معنوی ناشی از فشار روحی و روانی و رنج ناشی از صدمات

وارده بر جسم زیان‌دیده و بستگان: آنچه به عنوان صدمه وارد می‌شود خود فی‌نفسه خسارت معنوی نیست. بلکه آثار و تألمات ناشی از آن خسارت معنوی است. این نوع صدمه نه تنها زیان‌دیده را درگیر مشکل می‌کند در مواردی بستگان زیان‌دیده نیز متحمل چنین زبانی می‌شوند، از دست دادن بینائی، زوال منافع زمین‌گیری و نظائر آن‌ها صدماتی نیستند که فقط جسم تحمل می‌کند، بلکه صدمات روانی آن به مراتب بیشتر از صدمات جسمی است. اگر آسیب دیده فوت نماید یا زمین گیر شود. بستگان وی نیز از این نظر دچار فشار روحی و روانی شدیدی خواهند شد.

اما در چگونگی جبران این نوع خسارت در نظام حقوقی ایران و انگلیس رویه‌های متفاوتی وجود دارد. در حقوق ایران اصل در جبران صدمات وارده بر جسم علی‌الاصول از طریق پرداخت دیه صورت می‌گیرد. در حقوق انگلیس دعاوی مربوط به لطمه و احساسات و رنج روحی ناشی از استرس و اضطراب و تحقیر از دست دادن توانایی و سازش با شرایط زندگی و تجاوز به شخصیت و حقوق مربوط به شخص مورد پذیرش قرار گرفته است. رأی دادگاه استیناف در سال ۱۹۶۲ و مجلس اعیان در سال ۱۹۶۴ مبنای خسارت معنوی در صدمات روحی و از دست دادن تعادل نیز یکی است. خسارت دیگری که در حقوق انگلیس از صدمات وارده بر جسم قابلیت مطالبه است، خسارت ناشی از محرومیت از مواهب زندگی است. مانند عدم تعادل فیزیکی ناتوانی در نواختن پیانو ورزش و نظائر آن‌هاست.

۹-۴- خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد: امروزه این نوع خسارت در نظام

های مختلف حقوقی از جمله کامن لا و حقوق انگلیس پذیرفته شده است با این وصف باید

گفت جبران خسارت معنوی در حقوق انگلیس با پرداخت مبلغی پول صورت می‌گیرد. در دعوی (Jarvis V. Swans Tour, 1973) خواهان برای یک تور دو هفته‌ای تعطیلات ثبت نام می‌کند. تور دارای ویژگی‌هایی نظیر جشن خوش آمدگویی پذیرایی عصرانه و سایر ویژگی‌های دیگر بوده است. به دلیل حذف عصرانه و خوش آمدگویی به خواهان نارضایتی وی را فراهم می‌سازد. دادگاه در این خصوص رأی می‌دهد که شرکت طرف قرارداد وضوحاً قرارداد را نقض و تعطیلات وی را خراب کرده و برای جبران خسارت معنوی به پرداخت مبلغی پول حکم می‌دهد (حبیب زاده، ۲۶۲؛ ۱۳۹۶).

۱۰- شیوه‌های ارزیابی خسارت معنوی

در فرضی که قرار بر پرداخت مبلغی پول به عنوان خسارت معنوی باشد. راهکار و شیوه منسجمی وجود ندارد که از جمله چالش‌های جبران مادی خسارت معنوی است که ذیلاً با توجه به منشاء ورود خسارت معنوی و آثار ناشی از آن در مواردی نظیر خسارت معنوی وارده به شهرت و آبروی شخصی و خانوادگی خسارت معنوی ناشی از درد و رنج صدمات جسمی و خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد علی‌الاصول از طریق پرداخت مبلغی پول جبران می‌گردد. که از طریق ملاک و معیارهای قانونی، درخواست زیان‌دیده و رویه محاکم از طریق ارزیابی کارشناسی می‌باشد بیان می‌گردد.

۱-۱۰- ملاک و معیارهای قانونی برای ارزیابی خسارت معنوی

الف- ماده ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ علی‌رغم اصلاح آن و عدم قابلیت اجرا، معیار مشخصی را برای تعیین خسارت معنوی بیان کرده بود. در بخشی از ماده مذکور چنین آمده بوده (دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند. هر گاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد. دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۶ این قانون به پرداخت یک چهارم وجه چک به عنوان خسارت معنوی شاکه ... محکوم خواهد شد.) به نظر نگارنده این نوع خسارت معنوی، ناشی از نقض تعهد و قرارداد می‌باشد. و معیار دقیقی بر میزان خسارت و نحوه جبران بیان نموده است.

ب- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در ماده ۲۱۲ مکرر نیز با تعیین معیار و ضابطه قانونی برای پرداخت خسارت معنوی بیان می‌دارد. (هر کس مرتکب یکی از جرمهای مذکور در ماده ۲۰۷ و ۲۰۸ و مکرر ۲۰۹ گردد علاوه بر مجازاتهای مقرر به تأدیه خسارت معنوی مجنی علیه که در هر حال کمتر از ۵۰۰ ریال نخواهد بود محکوم می‌شود) مبلغ مذکور به عنوان حداقل خسارت تعیین شده و دادگاه نباید کمتر از آن حکم صادر نماید.

ج- با توجه به حکم مصرح در ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی که براساس آن دختری به دلیل زیر دست بودن مورد سوء استفاده قرار گرفته حق مطالبه خسارت معنوی را خواهد داشت. و با ملاک قرار دادن ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می دارد. (در موارد زنای به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می شود. و در صورتی که باکره نباشد فقط به مجازات پرداخت مهرالمثل محکوم می گردد). اول اینکه بدیهی است این نوع خسارت معنوی هستند در اینکه ارش البکاره و مهرالمثل آیا یکی هستند یا هر کدام جدا محاسبه می گردند قانونگذار از نظری تبعیت کرده که آن ها را موضوع علیحده تلقی می کنند سوم اینکه با بررسی منابع معتبر فقهی اساساً بکارت دیه مقدر ندارد. (محمودیان اصفهانی، الممیر، ۵؛ ۱۳۹۲). لذا با توجه به ماده ۶۵۸ ق. مجازات اسلامی ارش البکاره را می توان معیاری برای جبران و ارزیابی این نوع خسارت معنوی دانست.

۱۰-۲- ملاک تقویم خسارت معنوی توسط زیان دیده: خواهان در حین تقدیم دادخواست رأساً اقدام به تعیین خسارت معنوی نموده و دادگاه نیز براساس آن رسیدگی و رأی صادر می نماید. این شیوه در دادنامه شماره ۱۷۷ صادره از محاکم فومن (نقد رویه قضایی ۱۳۹۱: ۳۹۹) و همچنین رأی صادره از اتاق داوری تهران در خصوص شرکت عمانی رعایت و ملاک برای تعیین خسارت معنوی اعلام و تقویم آن توسط زیان دیده (خواهان) مدنظر واقع شده است. این روش در صورت پذیرفته شدن از سوی دادگاه یک نتیجه مثبت به همراه خواهد داشت. و آن رضایتمندی زیان دیده و آثار مثبت اجتماعی آن است زیرا اولاً: خواهان پرداخت خسارت معنوی را از طریق پرداخت مبلغی پول را پذیرفته است ثانیاً: به میزان آن معترض نمی گردد چون خودش تقویم کرده ثالثاً: به دلیل اینکه هدف جبران خسارت معنوی زیان دیده است از این طریق تأمین می گردد و ملاکی که در اختیار دادگاه قرار می گیرد تا روشن شود رضایت زیان دیده با پرداخت چه مبلغی جبران خواهد شد.

۱۰-۳- ارزیابی خسارت معنوی از سوی دادگاه: صدور حکم بر جبران زیان معنوی از طریق ارزیابی و تشخیص دادگاه ناظر به مواد قانون مسئولیت مدنی است. براساس آن زمانی که حکم بر عذرخواهی یا نظائر آن صادر شود بدیهی است که با تشخیص دادگاه خواهد بود. اما در برآورد و ارزیابی خسارت معنوی برای پرداخت مبلغی پول دو راهکار فراروی دادگاه وجود دارد. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی در تعیین تکلیف میزان خسارت معنوی بیان می دارد. (دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و

احوال قضیه تعیین خواهد کرد) لذا تعیین خسارت از نظر قانون مذکور بر عهده دادگاه می باشد که علی‌الاصول از طریق کارشناسی صورت می گیرد. این شیوه یکی از اصلی ترین مشکل فراروی محاکم است و حتی در فرض تعیین خسارت از سوی کارشناسان ضابطه مشخصی وجود ندارد که ملاک ارزیابی قرار گیرد. در مورد خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد که در ذیل خسارت واقعی قابل تعریف است اصولاً محاکم انگلیس بر جبران مادی آن حکم صادر می کنند. بنابراین آنچه در رویه قضایی در حقوق انگلیس قابل توجه است ضمن پذیرش خسارت معنوی برای ارزیابی آن حکم واحدی وجود ندارد.

نتیجه گیری

در نظام حقوقی ایران پس از تصویب قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ و ماده ۲۱۲ مکرر آن خسارت معنوی جایگاه قانونی پیدا کرده است. ادامه روند قانون گذاری و تصویب قانون مسئولیت مدنی و آ.د.ک و سایر قوانین دیگر باید پذیرفت خسارت معنوی در حقوق ایران علیرغم عدم اقبال مراجع قضایی در اکثر موارد و عدم توجه و کلاء به عنوان حقوقدان و قشر آگاه جامعه در طرح دعاوی و مطالبه خسارت معنوی، با وجود اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقررات قانونی، مبانی فقهی این نوع خسارت و غنای نظام حقوقی ایران از حیث مبانی خسارت معنوی، جای تأمل و کاهلی را از مطالبه و صدور رأی بر خسارت، معنوی گرفته است. و هیچ عذری را برای استتکاف از پذیرفتن چنین دعاوی باقی نمی گذارد. مهم ترین تحول در خصوص جبران ضرر معنوی پس از انقلاب اسلامی توجه به جبران ضرر معنوی در بنیادی ترین قانون کشور یعنی قانون اساسی است اصل ۱۷۱ قانون اساسی صراحتاً به تحقق این گونه ضرر و قابلیت جبران آن تأکید نموده است، حفظ حرمت و کرامت انسانی، اجرای عدالت و تحقق عدالت قضایی نه تنها از مؤکدات قانون اساسی بلکه خواست عمومی در جهت تحقق آرمان های انقلاب اسلامی است. آسیب های وارده به روح و روان انسان ها ناشی از فعل مجرمانه، مسئولیت قهری و نقض تعهدات قراردادی نه تنها روح آسیب دیده را متألم می کند بلکه به دلیل اجتماعی بودن انسان آثار آن را در اجتماع می توان به وفور دید. این ضرورت ایجاب می کند که با توجه به مبانی قوی فقهی و قانونی دستگاه قضایی در راستای پذیرش این گونه دعاوی و جبران آن گام نهایی را بردارد.

بدیهی است پس از پذیرش دعوی خسارت معنوی، نوبت تعیین میزان و نحوه جبران خسارت معنوی است. این مشکل نه تنها در حقوق ایران بلکه در تمام نظام های حقوقی مطرح و از چالش های فراروی صدور حکم بر پرداخت و جبران خسارت معنوی است. لذا در این

راستا پیشنهاد می‌گردد برای تعیین خسارت معنوی موارد ذیل مورد توجه قرار گیرد. الف: زمانی که منشاء ورود زیان صدمات بدنی و درد و رنج ناشی از آن است. با بهره‌گیری از تجارب دیگران نظیر حقوق انگلیس در کنار نهاد دیه تعرفه‌ای برای این نوع خسارت تعیین گردد. ب: در مواردی که منشأ ورود زیان معنوی ناشی از نقض قرارداد یا اقدامات مجرمانه‌ای است که به شهرت تجاری کسی آسیب و فعالیت اقتصادی وی را تحت تأثیر قرار داده جبران به صورت مالی صورت گیرد. و ارزیابی خسارت معنوی از دو ملاک ۱- تقویم توسط خواهان و زیان دیده ۲- ملاک قرار دادن میزان خسارت مادی مورد محاسبه قرار گیرد. قانونگذار نیز می‌بایستی برای جلوگیری از تشمت آراء و نظامند ساختن جبران خسارت معنوی خصوصاً در مورد اخیر در اصلاحات و تصویب قوانین جدید ملاک‌های قانونی نظیر ماده ۱۳ قانون صدور چک ۱۳۵۵ را مدنظر قرار دهد.

منابع و مأخذ:

- نقیعی، سید ابوالقاسم، **جبران خسارت معنوی در نظریه‌های حقوقی**، نشریه، رهنمون فصلنامه، مدرسه عالی شهید مطهری، سال ۱۳۸۴-۱۳۸۳.
- **نهج البلاغه**، ترجمه مبشری اسلام. (۱۳۷۳)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاشمی، صدیقه. (۱۳۹۵)، **اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید بهشتی**، نشر روزنه، سال ۱۳۹۵.
- یربئی، سید محمدعلی، محمودی، جواد، **اثبات حکم با قاعده لاضرر**، نشریه پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۴ سال ۱۳۹۷.
- Allen & over Basic principles of english contract.
- Aquide to the criminal injuries compensationschem 2012.
- convention on contracts for the international sale Goods 1980.
- Jarvis v. swan s tours (1973) 1 ALLER 71.
- John Adams and Roger-Browns word (2003) understanding contract London.
- Mindy chenwishmentcontract Low oxford university New york 2005 p527.
- oxford dictionary of Law ed8 2008.
- principles of European contract Law.
- theLaw commission working simple paper no 84 (Hm. So 1988).www. dadrah. Ir
- آشوری، محمد. (۱۳۷۵)، **آئین دادرسی کیفری**، تهران، سمت.
- پروین، فرهاد. (۱۳۸۲)، **خسارت معنوی در حقوق ایران**، تهران، ققنوس.
- توکل، محمد، مقصودی، سوده، **سرمایه اجتماعی و سلامت روانی مکانیسم‌ها و مدل‌های علمی و تعاملی**، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴۳، ۱۳۸۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸) **ترمیم‌ولوژی حقوقی**، تهران، گنج دانش.
- خمینی، سید روح اله. (۱۳۸۹)، **صحیفه نور**، جلد ۵، نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
- خمینی، سید روح اله. (۱۳۸۹)، **صحیفه نور**، جلد ۷، نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
- سلطانی نژاد، هدایت. (۱۳۹۴) **بررسی تطبیقی خسارت معنوی**، تهران، میزان، دانش.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۹۵) **حقوق مدنی**، ج ۲، آثار قراردادها و تعهدات، تهران، مجد.
- شهیدی، مهدی، **آثار قراردادها و تعهدات**، انتشارات مجد؛ ۱۳۹۵.
- طاهرزاده، حبیب اله. (۱۳۹۶)، **حقوق قرارداد های انگلیس**، تهران، خرسندی.
- عمید زنجانی، عباسعلی، **موجبات ضمان**، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵)، **مسئولیت مدنی**، ج اول، تهران، دانشگاه تهران.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۰) **قواعد فقه بخش مدنی**، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، ابوالحسن. (۱۳۸۵) **قواعد فقه**، تهران، میزان.
- محمودیان، اصفهانی، کامران، مالیر، محمود، **جبران خسارت از اهل بکارت در حقوق کیفری ایران**، و فقه مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۳ سال ۱۳۹۲.
- المرأقی، سید میر فتاح. (۱۴۱۷)، **العناوین**، ج ۱، موسسه نشر اسلامی، قم.
- معاونت آموزشی دادگستری کل استان تهران (۱۳۹۱) **نقد رویه قضایی**، تهران، جنگل.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۲) **القواعد الفقهیه**، ج اول، قم، انتشارات علی بن ابیطالب، ۱۳۸۲.
- موسوی خمینی، سید روح اله. (۱۴۱۰)، **الرسائل ج اول**، قم، اسماعیلیان.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۵)، **قواعد فقهیه**، تهران، مجد.
- نجفی استاد، مرتضی، محسنی، فرید. (۱۳۸۴) **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران بین‌المللی الهدی.
- نجفی خوانساری، شیخ موسی، (بی تا)، **منیه الطالب فی حاشیه مکاسب**، قم، موسسه دارالنشر الاسلامی.